

# ایران شناسی در پاکستان

-۱۵-

## مقام و اهمیت زبان فارسی

اساس تشکیل مملکت :

پس از لشکر کشی های سلطان محمود غزنوی بسرزمین پهناور شبه قاره هندو پاکستان و ایجاد حکومت مسلمانان در آن دیار ، فارسی زبان رسمی و درباری آن مملکت اعلام گردید و در طول مدت متجاوز از هشتصدسال که سلسله های مختلف شاهان و امیران مسلمان در نواحی گوناگون آن سرزمین حکمرانی داشتند آن زبان بر کلیه زبانهای محلی چیره شده و وسیله ابراز تمام افکار و احساسات مردم قرار گرفت و ادبیات ارزنده آن در آذهنان و قلوب اهالی آن کشور ریشه دوانید و در زندگی آنان تأثیر عمیقی بجا گذاشت .

ادبیات فارسی ایران که زائیده ادبای مسلمان و معرف تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی بود بویژه در بین مسلمانان که طبقه حکمرانان را تشکیل میدادند بقدری با ایران همبستگی معنوی و اتحاد روحی ایجاد نمود که آنان از حیث فکر و نظر بتمام معنا ایرانی شدند و در کلیه شئون زندگی با بومیهای هند که هندو و پرچمدار آئین ودائی بودند فرق محسوس و در چندین موارد اختلاف شدیدی داشتند . همین دوری ها که بیشتر ناشی از تباین در راه و روش زندگی که از دو ادبیات ایران مسلمان و هند باستان سرچشمه گرفته بود توأم با مفاخرت دینی هندوها و مسلمانان را بدو دسته بزرگ تقسیم کرد . مسلمانان بر اساس اینگونه تفاوتی که در زمان بالادستی آنها موجب هیچگونه ترس و وحشتی نبود ولی هنگام مواجه شدن با اکثریت غیر مسلم امکان بیار آوردن حوادث ناگواری را در برداشت نتوانستند در امور اجتماعی باهنود کنار بیایند و با آنها در نظرات سیاسی و ملی انباز باشند بهمین علت هنگامیکه انگلیسی ها بناچار تصمیم به تخلیه هندوستان گرفتند و آمادگی خود را دایر بر واگذار ساختن زمام امور شبه قاره باهالی

آن اعلام نمودند ملت مسلمان بمنظور حفظ شعائر دینی و باقی‌ماندن سنن و آئین ملی و روشهای زندگی که مبتنی بر فرهنگ ایران بود درصدد تقسیم آن مملکت برآمده و خواستار حاکمیت در قسمت مسلمان‌نشین آن شد .

با در نظر گرفتن این حقایق میتوان ادعا کرد که فارسی و ادبیات آن که الهام بخش تمدن و فرهنگ مسلمانان شبه‌قاره بوده اساسی‌ترین نقش را در مجزا ساختن آنان از هندوان و تشکیل ملت و مملکت پاکستان ایفا نموده و مهم‌ترین خدمت را در بوجود آوردن بزرگترین کشور اسلامی در جهان انجام داد .

### انگیزه ایجاد دوستی در بین دو جناح مملکت :

مانند هر کشور پهناور در گیتی پاکستان نیز دارای اقوام و زبانهای گوناگون محلی در مناطق مختلف آن میباشد . اردو ، بنگالی ، پنجابی ، سندی ، کشمیری ، پشتو ، بلوچی ، گجراتی ، بروهی ، ملتانی ، پیشاوری ، بوتھاری و غیره از زبانهای معروف آن سرزمین بشمارند و هر کدام از آنها وسیله‌افهام و تفهیم برای جمعیت قابل ملاحظه‌ای محسوب میگردد مخصوصاً در قسمت‌های خاوری و باختری آن کشور که بکلی از هم سوا و در حدود ۱۶۰۰ کیلومتر خاک هند در بین آنها فاصله انداخته و در برخی از شئون زندگی مردم دو ناحیه کمتر شباهتی به چشم میخورد زبانها از هم بکلی متفاوت است .

در جهان کمتر اتفاق می‌افتد که با داشتن چنین فاصله زیاد جغرافیائی و اختلاف در مظاهر حیات اجتماعی و زبانهای کاملاً از هم متفاوت و متفاوت مردم در زندگی حلیف و هم‌پیمان با یکدیگر باشند و حاضر بقبول تشکیل یک واحد سیاسی و ملی گردند . برآستی اتحاد دو جناح پاکستان در دنیائی که از هر گوشه آن صدای ناقوس تفرقه و شیپور ازهم‌پاشیدگی و دوری بگوش میرسد معجزه‌آساست و باید بقبول کرد پی‌ریزی آن مدیون تعلیمات اسلامی و قرآن و استحکام و بقای دوام آن بوسیله فارسی و ادبیات اجداد آن فراهم آمده است .

در واقع این خوبان پارسی‌گویند که بپاکستان عمر بخشیده و تمام تارهای ساز آن کشور را هم‌آهنگ ساخته و نظیر رشته تسبیح ، ملل و قسمت‌های مختلف آن مملکت را در یک ردیف اتحاد و اخوت در آورده‌اند . بدین ترتیب ادبیات فارسی که مبین مودت و دوستی بشری و گوینده و مفسر فرهنگ اسلامی است در ایجاد هم‌آهنگی فکری و معنوی در بین اهالی دو قسمت پاکستان سهم بزرگی را داراست .

### رخنه کامل در زبان اردو :

ادبیات زبان اردو که زبان عمومی در حدود چهارصد میلیون نفر مردم در جهان و زبان ملی پاکستان بشمار میرود از فارسی سرچشمه گرفته و بقدری تحت تأثیر و نفوذ آن واقع شده است که در اغلب موارد امتیاز مرز بین آنها بکلی از بین میرود و چنانکه در ضمن نفوذ فارسی در اردو مردم افتاد علاوه بر اینکه رسم الخط و عروض و اقسام و سبک نظم و نثر و تعبیرات و تشبیهات

و اغلب ضرب‌المثلها و بیش از ۶۰ درصد کلمات خود را اردو از فارسی گرفته روح ادب آن نیز فارسی و ایرانیست و بهمین علت کلیه سخنوران و گویندگان اردو بستگی تام و علاقه خاصی بفارسی داشته و دارند بطوریکه اغلب آنها آثارشان را بهردو زبان یادگار گذاشته‌اند و همیشه سعی کرده‌اند از تمام سنن فارسی و روایات ادبی آن پیروی نموده و مسیر فکری شعرای ایران را دنبال کنند. بعضی از شعرای اردو مانند میرزا اسدالله‌خان غالب و دکتر محمد اقبال که از زبده ترین گویندگان آن زبان محسوب‌اند بقدری دوستدار فارسی بوده‌اند که زیاد بفارسی اشعاری سروده و آن را در مقابل اشعار اردوی خود بیشتر سرمایه مباحث دانسته و زبان‌داری را از هر حیث مقام بالاتری داده‌اند.

غالب گوید :

فارسی بین تا به بینی نقشهای رنگه رنگه  
فارسی بین تا به بینی کاندرا قلم خیال  
او با زهم بر اشعار فارسی اش می‌نازد و می‌گوید :

بگذر از مجموعه اردو که بی‌رنگه من است  
مانی وارژنم آن مجموعه ارتنگه من است  
بعضی خامه گنجینه فشانم دادند  
بسخن ناصیه فرکیانم دادند  
هرچه بردند به پیدا به نهمانم دادند  
تا بنالم هم از آنجمله زبانم دادند  
گهر از رایت شاهان عجم برچیدند  
افسرا تارک ترکان پیشگی بردند  
گوهر از تاج گسستند و بدانش بستند  
هرچه از دستگه پارس به یغما بردند  
دکتر محمد اقبال لاهوری گوید :

گرچه اردو در عذوبت شکر است  
فارسی از رفعت اندیشه‌ام  
تنم گلی ز خیابان جنت کشمیر  
او در مورد علاقه بایران چنین می‌گوید :

ای جوانان عجم جان من و جان شما  
تا بدست آورده‌ام افکار پنهان شما  
ریختم طرح حرم در کافرستان شما  
پاره لعلی که دارم از بدخشان شما  
آتشی در سینه دارم از نیاگان شما  
چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما  
غوطه‌ها زد در ضمیر زندگی اندیشه‌ام  
مهر و مه دیدم نگاهم بر ترا پروین گذشت  
فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق  
حلقه گردمن زیندای پیکران آب و گل

عقیده شاعر انقلاب حضرت جوش ملیح آبادی که قبلا در شماره ۳ سال سوم این مجله معرفی شده است در مورد ادبیات فارسی اینست که تمام تار و پود شاعری اش ساخته و پرداخته کارخانه‌هایی میباشد که در کنار رکن آباد و در جوار گلگشت مصلا بنا شده است. وی شعر خودش را مدیون حافظ و سعدی میدانند و بسر زمین آنها عشق می‌ورزد و مؤمن بر اینست :

مرا عهدیست با ایران که تا جان در بدن دارم  
هواداری کویش را چون خویشتن دارم

اشترک در پیکار بایسوادی :

پس از آنکه سلطه انگلیسی‌ها جایگزین شهنشاهی با بریان گشت و زبان انگلیسی

در مؤسسات دولتی و علمی در شبه قاره هند و پاکستان زبانهای شرقی (عربی فارسی واردی) را تحت الشعاع قرارداد و فرهنگ و علوم اسلامی را تهدید به‌نیستی نمود مسلمانان آن دیار بمنظور حفظ مقام و ابقای وجود زبانهای اسلامی چاره‌ای اندیشیدند و بنیاد مؤسسات ملی که ضامن حیات قومی و سنن قدیمی‌شان باشد پرداختند از آنجمله بود مؤسسه علوم شرقی لاهور که در سال ۱۸۸۳ میلادی تحت نظارت دانشگاه پنجاب (لاهور) شروع بکار کرد. مؤسسه علوم شرقی جهت کمک به کسانی که از تحصیل انگلیسی سر باز زده یا بعزت گرفتاریهای زندگی فرصت کافی برای شرکت در دروس مدارس و دانشکده‌ها نداشتند بوجود آمد. امتحاناتی که در فارسی بدون شرط و قید حضور در کلاسها بوسیله این مؤسسه بسیار ارزنده برگزار میشد و الان هم برگزار میشود منشی، منشی‌عالم و منشی‌فاضل نام دارد و از حیث ارزش تحصیلی بترتیب بادبیلیم و لیسانس و فوق لیسانس برابر است.

امتحانات این مؤسسه که ارزش مدارک آن رسماً از طرف دولت شناخته شده است مورد استفاده چندین صدهزار نفر قرار گرفته و این عده با کمک مؤسسه مزبور توانستند از بند اسارت بیسواد و بیکاری رهایی یابند. بدین ترتیب فارسی در پاکستان در پیکار با بیسواد و سهم‌بسنائی داشته و در سر نوشت عده زیادی از مردم آن سامان و توسعه علم و دانش خدمت شایانی انجام داده است. الان هم هزاران نفر هر سال در پاکستان جهت شرکت در این امتحانات که مانند لاهور در دانشگاه پشاور نیز دائر می‌باشد خودشان را آماده می‌سازند.

### سرچشمه میراث فرهنگی :

تمام میراث فرهنگی و آثار تاریخی پاکستانیان که سرچشمهٔ مفاخر ملی آنان بشمار میرود بفارسیست. علاوه بر لااقل چهار پنجهزار کتاب که در طول مدت هشت قرن در هندوستان در زمینه‌های شعر و ادب و تاریخ و دین و اخلاق و الهیات و تذکره و فرهنگ نویسی که بفارسی مرقوم گردیده سر لوحه‌ها و درود و یوارهای تمام مساجد و مقابر و عمارات قدیم و حتی ساختمانهای جدید نیز با عبارات فارسی مزین شده است و از آنها پیداست فارسی در حفظ مفاخر ملی آن سرزمین مسئولیت مهمی را بعهده داشته و در قلوب مردم جای بس ارجمند و بلندی را داراست. بهمین دلیل ملت و دولت پاکستان پس از بدست آوردن استقلال و با پی بردن اهمیت زیاد فارسی توجه بیشتری بآن زبان مبذول داشته و مؤسساتی در آنجا بوجود آمده است که در صدد چاپ نسخ خطی فارسی میباشد انجمنها و مؤسساتی نظیر سندی ادبی بور و (حیدرآباد) پنجابی ادبی آکادمی (لاهور)، پشتو آکادمی (پشاور)، شیخ مبارک‌علی (لاهور)، شیخ غلام‌علی (لاهور) فیروز و پسران (لاهور)، انجمن ترقی اردو (کراچی)، اقبال آکادمی (کراچی) انجمن آسیائی (دکا) انجمن تحقیق و تفحص پاکستان (لاهور) انجمن تاریخ پاکستان (کراچی) مرکزی مجلس ترقی اردو - بزم اقبال «لاهور» و امثال اینها در طبع کتب فارسی و تراجم آن کوشا هستند.

## مظهر آداب معاشرت :

فارسی از دیر زمان در بین مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان بعنوان الهام بخش تهذیب و تمدن و وسیله یاد گرفتن آداب بهتر معاشرت معرفی گردیده است و شیرینی اش ضرب المثل گشته و آن تمام قلوب را اسیر عدوبت و لطافت خود ساخته است بهمین علت کودکان رادر آن کشور از ابتدای زندگی بآن آشنا میسازند و بعد از قرآن گلستان و بوستان و پندنامه و امثال اینها جز و کتب درسی برای بچه‌ها قرار میگیرد - سخنوران و نویسندگان در حین کلام و هنگام نوشتن مطلبی اغلب از اشعار و گفته‌های نفوذ دل‌انگیز فارسی کمک میجویند تا بیان خود را مؤثر تر و نوشته‌شان را مزین تر بسازند . بهمین سبب حتی در بخش بر نامه‌های اردو و سندی و پنجابی از رادیو پاکستان اشعار شعرای نامدار ایران شنیده میشود و در برخی از صفحات مجلات زبانهای مزبور عبارات و اشعار فارسی نیز بچشم میخورد ، جملات و حکایات و ابیات دلپذیر اخلاقی فارسی که مردم در ایام کودکی از آثار سعدی و حافظ و شعرای فارسی یاد میگیرند در تمام زندگی بمثابه مشعلی در قلوب آنان میدرخشد و در تمام مراحل زندگی آنها راهنمایی میکند .

## زبان تکلمی مردم در بعضی نواحی :

در صفحات غربی پاکستان باختری که شامل نواحی مرزنشینان و بلوچستان آن کشور است مانند چترال ( ایالت نواب نشین که هنوز هم فارسی در آنجا زبان درباری و رسمیت) و سوات و کرم ایجنسی و پادراچنار و شهرستانهای پیشاور ، کوهات ، لندی کوتل ، نوشهرا ، بنون ، مردان ، هزارا ، دیرا اسمعیل خان ، کویتا ، نوشکی ، مستونگ ، لورالائی ، پیشین ، گوادر ، مکران ، گلگت فارسی امروزه زبان عمومیست و لااقل چندین صد هزار نفر در آن نواحی فارسی صحبت میکنند . برخی از اسامی مردم صفحات مزبور که اغلب باواژه‌های فارسی تشکیل میشود و بطور نمونه در زیر مرقوم میگردد نمودار عمق نفوذ فارسی و اهمیت آن در آن سرزمین میباشد :

سهراب خان ، شاهرو ، جهان‌زیب ، زرجبین ، پردل ، زورزمین ، گلدارخان ، فرید گل ، بخت‌زمین ، زرین گل ، بخت‌جان ، واحد زمان ، بخت‌روان ، جیالی‌خان ، جمعه گل ، محمد زرین و امثال اینها .